

## تحلیل فقهی - حقوقی حق مؤلف در بستر فضای مجازی: بازاندیشی در مفاهیم اصالت، خلاقیت و

### مالکیت در عصر دیجیتال

فاطمه دلیری سیاه پیرانی<sup>\*۱</sup>

۱- کارشناسی ارشد حقوق مالکیت فکری، پردیس البرز، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

#### چکیده

گسترش فناوری‌های دیجیتال و شکل‌گیری فضای مجازی، بسیاری از مفاهیم سنتی حقوق مالکیت فکری به‌ویژه حق مؤلف را با تحولات اساسی مواجه کرده است. در گذشته، تولید و توزیع آثار فکری عمدتاً در قالب‌های مادی انجام می‌شد و امکان کنترل بهره‌برداری از آثار تا حد زیادی وجود داشت، اما در محیط دیجیتال تکثیر و انتشار آثار با هزینه‌ای اندک و سرعتی بسیار بالا امکان‌پذیر شده و مرزهای جغرافیایی در دسترسی به محتوا تا حد زیادی از میان رفته است. این وضعیت موجب شده است که مفاهیم بنیادینی مانند اصالت، خلاقیت و مالکیت که پایه‌های اصلی نظام حقوق مؤلف را تشکیل می‌دهند، با چالش‌ها و ابهام‌های جدیدی روبه‌رو شوند. بر این اساس، هدف پژوهش حاضر تحلیل فقهی - حقوقی حق مؤلف در بستر فضای مجازی و بازاندیشی در مفاهیم اصالت، خلاقیت و مالکیت در عصر دیجیتال است تا روشن شود که نظام حقوقی و فقهی چگونه می‌تواند با تحولات فناوری سازگار شود. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، شامل کتب، مقالات علمی و اسناد حقوقی مرتبط با حقوق مالکیت فکری و مبانی فقه اسلامی انجام شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که فضای مجازی ساختار سنتی حمایت از آثار فکری را دگرگون کرده و شرایطی را ایجاد کرده است که در آن تولید محتوای ترکیبی، بازآفرینی آثار پیشین و استفاده از فناوری‌هایی مانند هوش مصنوعی تشخیص مرزهای اصالت و خلاقیت را دشوارتر ساخته است. همچنین مفهوم مالکیت در حوزه دارایی‌های فکری از الگوی سنتی مالکیت بر اشیای مادی فاصله گرفته و بیشتر به سمت کنترل دسترسی و مدیریت بهره‌برداری از آثار دیجیتال حرکت کرده است. از منظر فقه اسلامی نیز اگرچه مفهوم مالکیت فکری به شکل صریح در متون کلاسیک مطرح نشده، اما قواعدی مانند قاعده سلطنت، احترام مال و قاعده لاضرر می‌توانند مبنایی برای حمایت از حقوق پدیدآورندگان آثار فکری فراهم آورند. در نتیجه می‌توان گفت که نظام حقوق مؤلف در عصر دیجیتال نیازمند بازاندیشی و تفسیر مجدد مفاهیم بنیادین خود است تا تعادلی میان حمایت از حقوق پدیدآورندگان و تضمین دسترسی عمومی به دانش و اطلاعات در فضای مجازی برقرار شود.

**واژگان کلیدی:** حق مؤلف، مالکیت فکری، فضای مجازی، اصالت و خلاقیت، فقه اسلامی

## ۱. مقدمه

تحولات گسترده فناوری اطلاعات و ارتباطات در دهه‌های اخیر، به‌ویژه گسترش اینترنت و شکل‌گیری فضای مجازی، ساختارهای سنتی تولید، توزیع و بهره‌برداری از آثار فکری را به‌طور اساسی دگرگون کرده است. در گذشته، انتشار و تکثیر آثار ادبی، هنری و علمی مستلزم وجود زیرساخت‌های مادی و هزینه‌های قابل توجه بود، اما با ظهور بسترهای دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی، تولید و انتشار محتوا به فرآیندی آسان، سریع و کم‌هزینه تبدیل شده است. این تحول اگرچه فرصت‌های فراوانی برای خلاقیت و توسعه دانش فراهم کرده است، اما در عین حال چالش‌های جدیدی را نیز در حوزه حقوق مالکیت فکری، به‌ویژه در زمینه حق مؤلف، ایجاد کرده است. در فضای مجازی، آثار فکری به‌راحتی قابل کپی، بازنشر و تغییر هستند و همین امر باعث شده است که مرزهای سنتی مالکیت بر آثار فکری تا حد زیادی دچار ابهام شود. از این رو، نظام‌های حقوقی مختلف در تلاش‌اند تا با بازنگری در مفاهیم بنیادین مالکیت فکری، از جمله اصالت، خلاقیت و مالکیت، راهکارهایی برای حمایت مؤثر از حقوق پدیدآورندگان در محیط دیجیتال ارائه دهند (Rahman, ۲۰۲۳; Widjaja, ۲۰۲۵). در حقوق ایران نیز این مسئله از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا علاوه بر مبانی حقوقی، باید با اصول و مبانی فقه اسلامی نیز سازگار باشد. بنابراین بررسی فقهی - حقوقی حق مؤلف در بستر فضای مجازی می‌تواند به روشن شدن ابعاد نظری و عملی این موضوع کمک کند و زمینه را برای تدوین سیاست‌های حقوقی کارآمدتر فراهم سازد (قربانی و پورمحمد، ۱۳۹۷).

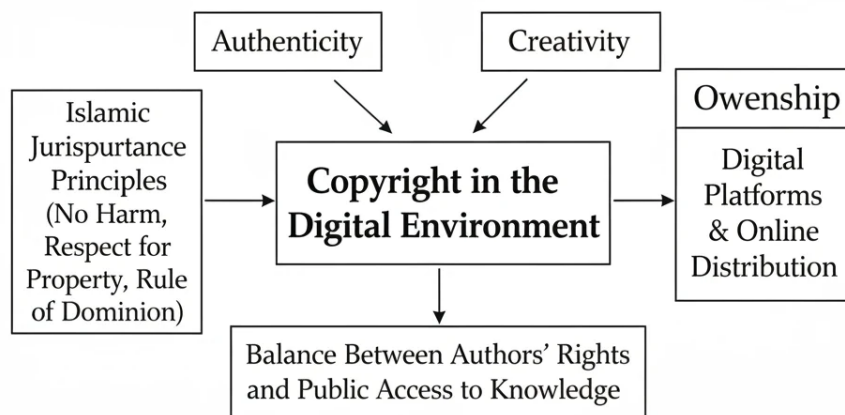
با گسترش اقتصاد دیجیتال و شکل‌گیری پدیده‌ای موسوم به «اقتصاد خالقان محتوا»، مفهوم اثر فکری نیز دچار تحول شده است. امروزه بسیاری از افراد از طریق تولید محتوا در شبکه‌های اجتماعی، پلتفرم‌های اشتراک ویدئو و سایر بسترهای آنلاین، به فعالیت اقتصادی می‌پردازند و آثار آنان بخش مهمی از جریان تولید اطلاعات در جامعه دیجیتال را تشکیل می‌دهد. در چنین شرایطی، مسئله حمایت حقوقی از این آثار به یکی از دغدغه‌های اصلی نظام‌های حقوقی تبدیل شده است. پژوهش‌های جدید نشان می‌دهد که پلتفرم‌های دیجیتال نه تنها بستر انتشار آثار را فراهم می‌کنند، بلکه از طریق قواعد خصوصی خود نقش مهمی در تنظیم روابط میان کاربران و صاحبان حقوق ایفا می‌کنند؛ امری که گاه به نوعی «نظم خصوصی» در حوزه حق مؤلف منجر می‌شود و ممکن است با نظام‌های حقوقی رسمی تعارض پیدا کند (Quintais et al., ۲۰۲۳). از سوی دیگر، افزایش تعامل کاربران با محتوا و بازنشر مداوم آثار در شبکه‌های اجتماعی، باعث شده است که مرز میان تولیدکننده و مصرف‌کننده محتوا تا حد زیادی کمرنگ شود و مفهوم سنتی پدیدآورنده اثر مورد بازاندیشی قرار گیرد (Tafesse & Dayan, ۲۰۲۳). این تحولات ضرورت بازنگری در مبانی نظری حق مؤلف، به‌ویژه در ارتباط با مفاهیمی همچون اصالت و خلاقیت، را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

در حقوق مالکیت فکری، یکی از شروط اساسی برای حمایت از آثار ادبی و هنری، برخورداری اثر از ویژگی «اصالت» و «خلاقیت» است. با این حال، در محیط دیجیتال تعیین این معیارها با دشواری‌های متعددی مواجه شده است. برای مثال، بسیاری از آثار دیجیتال بر پایه ترکیب یا بازآفرینی آثار پیشین شکل می‌گیرند و گاه تشخیص میزان خلاقیت و سهم واقعی پدیدآورنده در آن‌ها دشوار است. افزون بر این، امکان ویرایش سریع و تولید نسخه‌های متعدد از یک اثر باعث شده است که شناسایی نسخه اصلی یا اصیل اثر با چالش‌های فنی و حقوقی روبه‌رو شود. در حوزه فناوری اطلاعات حتی روش‌های فنی مانند نهان‌نگاری دیجیتال یا الگوریتم‌های تشخیص اصالت تصاویر برای حل این مشکل پیشنهاد شده‌اند، اما این روش‌ها نیز به‌تنهایی قادر به حل همه ابعاد مسئله نیستند و نیازمند تکمیل با قواعد حقوقی مناسب هستند (حیدری کمرودی و برومندنی، ۱۳۹۳). در همین راستا برخی پژوهشگران معتقدند که مفهوم اصالت در حقوق مالکیت ادبی و هنری باید با توجه به ویژگی‌های محیط دیجیتال بازتعریف شود تا بتواند پاسخگوی شرایط جدید تولید و توزیع محتوا باشد (زرکلام، ۱۳۸۶).

از منظر فقه اسلامی نیز مسئله مالکیت بر آثار فکری همواره محل بحث و بررسی بوده است. هرچند در منابع کلاسیک فقهی، مفهوم مالکیت فکری به شکل امروزی مطرح نشده است، اما بسیاری از فقها با استناد به قواعد کلی فقهی مانند قاعده سلطنت، قاعده لاضرر و قاعده احترام مال مسلمان، امکان شناسایی حقوقی برای پدیدآورندگان آثار فکری را مورد پذیرش قرار داده‌اند. بر اساس این دیدگاه، اگر اثر فکری نتیجه تلاش و ابتکار فرد باشد و دارای ارزش اقتصادی یا معنوی محسوب شود، می‌توان آن را نوعی مال دانست که از حمایت شرعی برخوردار است. این تحلیل فقهی در دوره معاصر به‌ویژه با گسترش فناوری‌های نوین اهمیت بیشتری یافته است، زیرا بسیاری از دارایی‌های اقتصادی جدید ماهیتی غیرمادی دارند و در قالب داده‌ها، نرم‌افزارها و محتوای دیجیتال شکل می‌گیرند (قربانی و پورمحمد، ۱۳۹۷). از سوی دیگر، برخی پژوهش‌ها در حوزه فقه مقارن نشان می‌دهد که حتی در مباحث سنتی فقه مانند مالکیت‌های خاص، می‌توان ظرفیت‌هایی برای تحلیل مسائل جدید مالکیت در عصر دیجیتال یافت (تقی‌زاده چاری و پیردهی حاجیکلا، ۱۳۹۵).

نظام حقوقی ایران نیز در دهه‌های اخیر تلاش کرده است تا با توسعه مقررات مربوط به مالکیت فکری، از آثار فکری در حوزه‌های مختلف حمایت کند. با این حال، بسیاری از این قوانین در دوره‌ای تدوین شده‌اند که فضای مجازی هنوز به گستردگی امروز وجود نداشت و به همین دلیل پاسخگویی کامل به مسائل جدید را ندارند. برای نمونه، چالش‌های مربوط به نرم‌افزارهای رایانه‌ای، رایانش ابری و ذخیره‌سازی دیجیتال داده‌ها نشان می‌دهد که مرزهای سنتی مالکیت فکری در حال تغییر است و نیاز به رویکردهای نوین حقوقی احساس می‌شود (حسینی، ۱۳۹۷). همچنین برخی پژوهش‌ها تأکید می‌کنند که کارآمدی قوانین مالکیت فکری نقش مهمی در بهبود محیط کسب‌وکار و توسعه نوآوری دارد و ضعف در این حوزه می‌تواند مانعی برای رشد اقتصاد دانش‌بنیان باشد (صادقی، ۱۳۹۴). از این رو، بازاندیشی در مفاهیم بنیادین حق مؤلف در بستر فضای مجازی نه تنها از منظر نظری اهمیت دارد، بلکه از نظر اقتصادی و اجتماعی نیز دارای پیامدهای مهمی است.

افزون بر این، فضای مجازی موجب تغییر در شیوه‌های تولید و مصرف فرهنگ نیز شده است. در گذشته، تولید آثار فرهنگی غالباً در چارچوب نهادهای رسمی مانند ناشران، شرکت‌های موسیقی یا مؤسسات رسانه‌ای صورت می‌گرفت، اما امروزه بسیاری از افراد به‌طور مستقل و بدون واسطه نهادی اقدام به تولید و انتشار آثار خود می‌کنند. این تحول سبب شده است که مفهوم «پدیدآورنده» به‌طور گسترده‌تری در جامعه مطرح شود و گروه‌های متنوعی از کاربران اینترنت به‌عنوان تولیدکنندگان محتوا شناخته شوند. مطالعات انجام‌شده در حوزه فرهنگ دیجیتال نشان می‌دهد که این روند علاوه بر ایجاد فرصت‌های جدید برای خلاقیت فرهنگی، مسائل حقوقی پیچیده‌ای را نیز به همراه دارد؛ از جمله تعیین حدود مسئولیت پلتفرم‌ها، نحوه توزیع منافع اقتصادی و شیوه‌های حمایت از حقوق معنوی پدیدآورندگان (Hutama et al., ۲۰۲۴; Hoose & Rosenbohm, ۲۰۲۴). در همین حال، برخی پژوهش‌ها در حوزه فرهنگ و رسانه نیز نشان می‌دهد که تحول هویت و کنش فرهنگی در عصر رسانه‌های دیجیتال باعث شده است که رابطه میان فرد، اثر و جامعه به شکل تازه‌ای بازتعریف شود (صانع‌پور، ۱۳۹۰).



## شکل ۱. چارچوب مفهومی تحلیل حق مؤلف در بستر فضای مجازی

این شکل چارچوب مفهومی پژوهش حاضر را نشان می‌دهد. در این چارچوب، «فضای مجازی» به‌عنوان بستر اصلی تحولات فناوری بر مفاهیم بنیادین «اصالت»، «خلاقیت» و «مالکیت» تأثیر می‌گذارد که از عناصر اساسی در نظام حقوق مؤلف به شمار می‌آیند. این مفاهیم در تعامل با یکدیگر، مبنای شکل‌گیری و تحلیل حق مؤلف را فراهم می‌کنند. در ادامه، این مفاهیم در پرتو تحلیل‌های حقوقی و مبانی فقه اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرند تا امکان بازنمایی در سازوکارهای حمایت از آثار فکری در عصر دیجیتال فراهم شود.

بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف تحلیل فقهی - حقوقی حق مؤلف در بستر فضای مجازی و بازنمایی در مفاهیم اصالت، خلاقیت و مالکیت در عصر دیجیتال انجام می‌شود. پرسش اصلی این است که آیا مفاهیم سنتی حقوق مالکیت فکری، که عمدتاً در دوران پیشادigital شکل گرفته‌اند، همچنان قادر به پاسخگویی به چالش‌های فضای مجازی هستند یا نیازمند بازتعریف و توسعه‌اند. همچنین این پژوهش می‌کوشد با بررسی مبانی فقهی و حقوقی مالکیت فکری، ظرفیت‌های موجود برای تطبیق این مفاهیم با شرایط جدید را شناسایی کند. در این راستا، علاوه بر تحلیل منابع فقهی و حقوقی داخلی، از مطالعات بین‌المللی در زمینه حقوق دیجیتال و اقتصاد محتوا نیز بهره گرفته می‌شود تا تصویری جامع از تحولات معاصر در حوزه حق مؤلف ارائه گردد (Aina-Pelemo et al., ۲۰۲۴؛ Frosio & Geiger, ۲۰۲۳). روش پژوهش در این مطالعه توصیفی - تحلیلی است و داده‌های آن از طریق بررسی منابع کتابخانه‌ای و مقالات علمی گردآوری شده است. انتظار می‌رود نتایج این پژوهش بتواند به تبیین بهتر جایگاه حق مؤلف در فضای مجازی کمک کرده و زمینه را برای توسعه چارچوب‌های حقوقی متناسب با عصر دیجیتال فراهم سازد.

## ۲. مبانی نظری حق مؤلف در حقوق و فقه اسلامی

حق مؤلف به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شاخه‌های حقوق مالکیت فکری، ناظر بر حمایت از آثار ادبی، هنری و علمی است که نتیجه فعالیت ذهنی و خلاقانه انسان محسوب می‌شوند. در نظام‌های حقوقی معاصر، این حق به‌منظور حمایت از پدیدآورندگان و ایجاد انگیزه برای تولید آثار جدید به رسمیت شناخته شده است و شامل دو بعد اساسی حقوق مادی و حقوق معنوی می‌شود. حقوق مادی به بهره‌برداری اقتصادی از اثر مربوط است و به صاحب اثر اجازه می‌دهد که از طریق انتشار، تکثیر یا عرضه اثر خود به کسب منفعت بپردازد، در حالی که حقوق معنوی بیشتر بر پیوند شخصیت پدیدآورنده با اثر تأکید دارد و شامل حقوقی مانند حق انتساب اثر به خالق آن و حق حفظ تمامیت اثر می‌شود. این ساختار دوگانه در اغلب نظام‌های حقوقی جهان پذیرفته شده و مبنای حمایت از آثار فکری را تشکیل می‌دهد. در این چارچوب، حق مؤلف نه‌تنها به‌عنوان یک حق فردی، بلکه به‌عنوان ابزاری برای توسعه فرهنگی و علمی جامعه نیز تلقی می‌شود، زیرا حمایت از خلاقیت‌های فکری موجب افزایش تولید دانش و ارتقای سطح فرهنگی جامعه خواهد شد (Widjaja, ۲۰۲۵؛ صادقی، ۱۳۹۴). با این حال، تحقق این هدف مستلزم ایجاد تعادلی میان حقوق پدیدآورندگان و منافع عمومی است، زیرا دسترسی آزاد به دانش و اطلاعات نیز یکی از نیازهای اساسی جوامع معاصر به شمار می‌رود.

در حقوق ایران، مفهوم حق مؤلف عمدتاً در قالب حقوق مالکیت ادبی و هنری مورد توجه قرار گرفته و قوانین مختلفی در این زمینه به تصویب رسیده است. قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ از مهم‌ترین مقررات در این حوزه محسوب می‌شود که به‌طور نسبی از آثار ادبی و هنری حمایت می‌کند. این قانون اگرچه در زمان خود گامی مهم در جهت حمایت از حقوق پدیدآورندگان به شمار می‌رفت، اما با توجه به تحولات گسترده فناوری و ظهور محیط دیجیتال، بسیاری از مفاهیم آن نیازمند بازنگری و تفسیر جدید هستند. به‌ویژه در حوزه فناوری اطلاعات، شکل‌های جدیدی از آثار فکری مانند نرم‌افزارهای رایانه‌ای، پایگاه‌های داده و محتوای دیجیتال پدید آمده‌اند که در زمان تدوین قوانین سنتی مالکیت فکری کمتر مورد توجه قرار داشتند. در همین راستا، پژوهش‌ها

نشان می‌دهد که گسترش فناوری‌هایی مانند رایانش ابری و ذخیره‌سازی آنلاین داده‌ها باعث شده است که مسائل جدیدی در زمینه مالکیت و کنترل آثار فکری مطرح شود، به گونه‌ای که تعیین حدود حقوق پدیدآورندگان در چنین محیط‌هایی با پیچیدگی‌های حقوقی متعددی همراه است (حسینی، ۱۳۹۷). همچنین برخی مطالعات حقوقی نشان می‌دهد که ضعف در نظام حمایت از مالکیت فکری می‌تواند بر توسعه اقتصادی و نوآوری تأثیر منفی بگذارد، زیرا پدیدآورندگان در صورت عدم اطمینان از حمایت قانونی ممکن است انگیزه کمتری برای تولید آثار جدید داشته باشند (صادقی، ۱۳۹۴).

در کنار مبانی حقوقی، بررسی حق مؤلف در نظام حقوقی ایران مستلزم توجه به مبانی فقه اسلامی نیز هست، زیرا بسیاری از اصول حقوقی در این نظام از فقه شیعه الهام گرفته‌اند. در منابع کلاسیک فقهی، مفهوم مالکیت فکری به شکل صریح مطرح نشده است، زیرا در گذشته آثار فکری عمدتاً در قالب نسخه‌های خطی یا انتقال شفاهی دانش وجود داشت و امکان تکثیر گسترده آن‌ها محدود بود. با این حال، فقها با استناد به قواعد کلی فقهی تلاش کرده‌اند تا مبنایی برای حمایت از حقوق پدیدآورندگان آثار فکری ارائه دهند. یکی از مهم‌ترین این قواعد، قاعده سلطنت است که بر اساس آن هر فرد نسبت به اموال خود اختیار تصرف دارد و دیگران بدون اجازه او حق بهره‌برداری از آن را ندارند. اگر آثار فکری به عنوان نوعی مال یا حق قابل ارزش‌گذاری شناخته شوند، می‌توان بر اساس این قاعده از حقوق پدیدآورنده حمایت کرد. افزون بر این، قاعده احترام مال مسلمان نیز می‌تواند مبنایی برای حمایت از آثار فکری باشد، زیرا بر اساس این قاعده، تصرف در اموال دیگران بدون رضایت آنان جایز نیست و این اصل می‌تواند شامل اموال غیرمادی نیز شود (قربانی و پورمحمد، ۱۳۹۷). علاوه بر قواعد یادشده، برخی فقها به قاعده لاضرر نیز به عنوان مبنایی برای حمایت از حقوق فکری اشاره کرده‌اند. بر اساس این قاعده، هیچ‌کس حق ندارد به دیگری ضرر وارد کند و اگر نقض حقوق فکری موجب زیان اقتصادی یا معنوی پدیدآورنده شود، می‌توان آن را مصداقی از ضرر دانست که باید از آن جلوگیری شود. این تحلیل به‌ویژه در شرایطی اهمیت پیدا می‌کند که آثار فکری نقش مهمی در اقتصاد دانش‌بنیان ایفا می‌کنند و نقض آن‌ها می‌تواند خسارات قابل توجهی برای پدیدآورندگان به همراه داشته باشد. در همین زمینه برخی پژوهشگران معتقدند که بسیاری از نهادهای حقوق مالکیت فکری را می‌توان با استفاده از قواعد عام فقهی تبیین کرد و نیازی به تعارض میان فقه اسلامی و نظام‌های حقوقی مدرن در این حوزه وجود ندارد (قربانی و پورمحمد، ۱۳۹۷). حتی در برخی مباحث فقهی که به مالکیت‌های خاص یا حقوق غیرمادی مربوط می‌شود، می‌توان نمونه‌هایی از پذیرش حقوق غیرعینی را مشاهده کرد که نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری فقه در مواجهه با مسائل جدید است (تقی‌زاده چاری و پیردهی حاجیکلا، ۱۳۹۵).

از سوی دیگر، مفهوم مالکیت در حقوق مالکیت فکری با مالکیت مادی تفاوت‌های اساسی دارد. در مالکیت مادی، موضوع مالکیت یک شیء عینی و قابل لمس است که استفاده از آن توسط یک فرد ممکن است مانع استفاده همزمان دیگران شود. اما در مالکیت فکری، موضوع مالکیت یک اثر غیرمادی است که می‌تواند به‌طور همزمان توسط افراد متعدد مورد استفاده قرار گیرد بدون آنکه از ارزش آن کاسته شود. این ویژگی باعث شده است که برخی نظریه‌پردازان حقوقی، مالکیت فکری را نوعی «حق انحصاری موقت» بدانند که به پدیدآورنده اجازه می‌دهد برای مدت معینی از بهره‌برداری دیگران از اثر جلوگیری کند. چنین رویکردی نشان می‌دهد که هدف اصلی حقوق مالکیت فکری ایجاد تعادل میان منافع فردی و اجتماعی است، به گونه‌ای که از یک سو پدیدآورندگان برای تولید آثار جدید تشویق شوند و از سوی دیگر جامعه نیز بتواند از دستاوردهای فکری بهره‌مند گردد (Widjaja, ۲۰۲۰). این مسئله در عصر دیجیتال اهمیت بیشتری پیدا کرده است، زیرا انتشار سریع و گسترده آثار در اینترنت می‌تواند همزمان هم فرصت‌های اقتصادی برای پدیدآورندگان ایجاد کند و هم خطر نقض حقوق آنان را افزایش دهد.

تحولات فناوری همچنین باعث شده است که اشکال جدیدی از آثار فکری و دارایی‌های غیرمادی در اقتصاد دیجیتال شکل گیرد. برای مثال، داده‌ها، نرم‌افزارها و الگوریتم‌ها امروزه بخش مهمی از دارایی‌های اقتصادی را تشکیل می‌دهند و تعیین مالکیت آن‌ها یکی از چالش‌های مهم حقوق معاصر به شمار می‌رود. در برخی نظام‌های حقوقی حتی بحث درباره امکان شناسایی «مالکیت بر داده‌ها» مطرح شده است، زیرا داده‌های دیجیتال می‌توانند ارزش اقتصادی قابل توجهی داشته باشند و مبنای فعالیت بسیاری از شرکت‌های فناوری

باشند. با این حال، تعیین مالکیت بر چنین دارایی‌هایی با پیچیدگی‌های حقوقی متعددی همراه است و نیازمند توسعه مفاهیم سنتی مالکیت است (پروین و عطار، ۱۴۰۰). در این میان، برخی پژوهش‌ها در حوزه حقوق مالکیت فکری نشان می‌دهد که توسعه فناوری‌های نوین، مانند زیست‌فناوری یا بیوانفورماتیک، نیز چالش‌های مشابهی را در زمینه حمایت از نوآوری‌های علمی ایجاد کرده است و نظام‌های حقوقی باید برای مواجهه با این تحولات آماده باشند (احمدی و کوشا، ۱۳۹۱). همچنین در حوزه‌های تخصصی مالکیت فکری مانند اسرار تجاری و اختراعات صنعتی نیز مبانی نظری مشابهی برای حمایت از نوآوری وجود دارد. برای مثال، حمایت از اسرار تجاری به منظور حفظ مزیت رقابتی شرکت‌ها و تشویق به سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه صورت می‌گیرد. در بسیاری از صنایع پیشرفته، از جمله صنایع دارویی و فناوری‌های نوین، اطلاعات و دانش فنی ارزش اقتصادی بسیار بالایی دارند و افشای آن‌ها می‌تواند خسارات سنگینی به صاحبان آن وارد کند. از این رو نظام‌های حقوقی تلاش کرده‌اند با ایجاد سازوکارهای حمایتی، از سوءاستفاده از این اطلاعات جلوگیری کنند (رحمانی و عزیزی مرادپور، ۱۳۹۶). این تجربه‌ها نشان می‌دهد که حقوق مالکیت فکری در حوزه‌های مختلف با هدف حمایت از خلاقیت و نوآوری شکل گرفته است و می‌تواند مبنایی برای تحلیل حق مؤلف در محیط دیجیتال نیز فراهم کند.

در سطح بین‌المللی نیز حمایت از حقوق مالکیت فکری به‌عنوان یکی از موضوعات مهم حقوق بشر و توسعه اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است. برخی اسناد بین‌المللی، مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر، به حق افراد برای بهره‌مندی از منافع مادی و معنوی آثار علمی و هنری خود اشاره کرده‌اند. این رویکرد نشان می‌دهد که حمایت از حقوق پدیدآورندگان نه تنها یک مسئله اقتصادی، بلکه بخشی از حقوق بنیادین انسان‌ها محسوب می‌شود. در عین حال، برخی پژوهشگران تأکید می‌کنند که این حمایت باید با حقوق دیگران، مانند حق دسترسی به دانش و فرهنگ، در تعادل قرار گیرد تا از ایجاد انحصارهای غیرضروری جلوگیری شود (چلونگر، ۱۳۹۶؛ Frosio & Geiger, ۲۰۲۳). بنابراین، مبانی نظری حق مؤلف را می‌توان در تقاطع سه حوزه اصلی مشاهده کرد: حمایت از خلاقیت فردی، توسعه فرهنگی و علمی جامعه و حفظ تعادل میان منافع خصوصی و عمومی. بر این اساس، می‌توان گفت که حق مؤلف در حقوق معاصر بر مجموعه‌ای از مبانی نظری و ارزشی استوار است که هم در نظام‌های حقوقی مدرن و هم در مبانی فقه اسلامی قابل شناسایی است. این مبانی شامل احترام به تلاش و خلاقیت انسان، جلوگیری از بهره‌برداری غیرمنصفانه از آثار دیگران و ایجاد انگیزه برای تولید دانش و فرهنگ است. با این حال، ظهور فناوری‌های دیجیتال و گسترش فضای مجازی باعث شده است که بسیاری از مفاهیم سنتی در این حوزه با چالش‌های جدیدی مواجه شوند. از جمله این مفاهیم می‌توان به معیارهای اصالت و خلاقیت اشاره کرد که نقش اساسی در تعیین شمول حمایت حقوقی از آثار فکری دارند. در نتیجه، بررسی دقیق این مفاهیم و چالش‌های آن‌ها در محیط دیجیتال می‌تواند گام مهمی در جهت فهم بهتر تحولات حقوق مالکیت فکری در عصر دیجیتال باشد؛ موضوعی که در بخش بعدی این پژوهش به‌طور مفصل مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

### ۳. مفهوم اصالت و خلاقیت در آثار فکری و چالش‌های آن در فضای مجازی

یکی از مهم‌ترین شروط حمایت از آثار ادبی، هنری و علمی در نظام حقوق مالکیت فکری، برخورداری اثر از ویژگی «اصالت» و «خلاقیت» است. در واقع، حقوق مؤلف تنها از آثاری حمایت می‌کند که نتیجه فعالیت ذهنی و ابتکار شخص پدیدآورنده باشد و صرفاً تکرار یا بازتولید آثار پیشین محسوب نشود. مفهوم اصالت در حقوق مالکیت ادبی و هنری به این معناست که اثر باید حاصل تلاش فکری مستقل پدیدآورنده باشد، هرچند لازم نیست کاملاً جدید یا بی‌سابقه باشد. به بیان دیگر، شرط اصالت بیشتر بر «نحوه بیان» اثر تمرکز دارد تا بر «ایده» آن؛ زیرا در حقوق مالکیت فکری اصولاً ایده‌ها قابل تملک نیستند و تنها شکل بیان آن‌ها مورد حمایت قرار می‌گیرد. در نتیجه، اگر فردی ایده‌ای را به شیوه‌ای خلاقانه و شخصی بیان کند، اثر او می‌تواند واجد اصالت تلقی شود و از حمایت قانونی برخوردار گردد. این رویکرد در

بسیاری از نظام‌های حقوقی پذیرفته شده و یکی از مبانی اساسی تشخیص آثار قابل حمایت به شمار می‌رود (Widjaja, ۲۰۲۵؛ زرکلام، ۱۳۸۶).

در ادبیات حقوقی، اصالت غالباً با مفهوم خلاقیت ارتباط تنگاتنگی دارد. خلاقیت به معنای وجود حدی از نوآوری و ابتکار در اثر است که آن را از آثار مشابه متمایز می‌سازد. البته میزان خلاقیت لازم برای برخورداری از حمایت حقوقی در نظام‌های مختلف متفاوت است. در برخی کشورها معیار خلاقیت نسبتاً پایین در نظر گرفته می‌شود و صرف وجود حداقلی از ابتکار برای حمایت از اثر کافی است، در حالی که در برخی نظام‌های حقوقی معیارهای سخت‌گیرانه‌تری برای تشخیص خلاقیت اعمال می‌شود. با این حال، در اغلب موارد معیار اصلی آن است که اثر باید بازتابی از شخصیت و انتخاب‌های خلاقانه پدیدآورنده باشد. از این منظر، حق مؤلف نه تنها از ارزش اقتصادی اثر حمایت می‌کند، بلکه به نوعی بیانگر پیوند میان اثر و شخصیت خالق آن نیز هست. به همین دلیل، بسیاری از نظام‌های حقوقی علاوه بر حقوق مادی، حقوق معنوی پدیدآورنده را نیز به رسمیت می‌شناسند تا از ارتباط معنوی میان خالق و اثر محافظت کنند (چلونگر، ۱۳۹۶).

با ظهور فناوری‌های دیجیتال و گسترش فضای مجازی، مفهوم اصالت و خلاقیت با چالش‌های جدیدی مواجه شده است. در محیط دیجیتال، تولید محتوا غالباً به صورت ترکیبی یا تعاملی انجام می‌شود و بسیاری از آثار جدید بر پایه اقتباس، بازترکیب یا بازآفرینی آثار پیشین شکل می‌گیرند. برای مثال، در شبکه‌های اجتماعی کاربران ممکن است بخش‌هایی از یک اثر را تغییر داده یا آن را با عناصر دیگری ترکیب کنند و اثر جدیدی پدید آورند. در چنین شرایطی تعیین اینکه آیا اثر جدید واجد اصالت مستقل است یا صرفاً نسخه‌ای تغییر یافته از اثر قبلی محسوب می‌شود، کار آسانی نیست. افزون بر این، سرعت بالای انتشار محتوا در اینترنت و امکان دسترسی همگانی به منابع مختلف باعث شده است که مرز میان الهام گرفتن از آثار پیشین و نقض حقوق مؤلفان تا حدی مبهم شود. برخی پژوهشگران معتقدند که در عصر دیجیتال مفهوم خلاقیت باید با توجه به ماهیت تعاملی فرهنگ آنلاین بازتعریف شود، زیرا بسیاری از آثار دیجیتال حاصل همکاری یا تعامل کاربران متعدد هستند (Rahman, ۲۰۲۳؛ Tafesse & Dayan, ۲۰۲۳).

یکی دیگر از چالش‌های مهم در تشخیص اصالت آثار دیجیتال، مسئله تکثیر آسان و سریع آن‌هاست. در محیط‌های سنتی، تکثیر آثار معمولاً مستلزم صرف هزینه و زمان بود و به همین دلیل امکان کنترل آن تا حدی وجود داشت. اما در فضای مجازی، یک اثر می‌تواند در مدت کوتاهی هزاران بار تکثیر و منتشر شود و نسخه‌های متعددی از آن در نقاط مختلف اینترنت قرار گیرد. این وضعیت باعث می‌شود که شناسایی نسخه اصلی یا تعیین نخستین پدیدآورنده اثر با دشواری‌های فنی و حقوقی همراه شود. برای مقابله با این مشکل، برخی فناوری‌های دیجیتال مانند نهان‌نگاری دیجیتال و روش‌های تشخیص اصالت تصاویر توسعه یافته‌اند که می‌توانند به شناسایی مالک یا منبع اصلی اثر کمک کنند. با این حال، این ابزارها به تنهایی قادر به حل کامل مسئله نیستند و باید در کنار قواعد حقوقی مناسب مورد استفاده قرار گیرند (حیدری کمرودی و برومندیا، ۱۳۹۳). از سوی دیگر، پلتفرم‌های دیجیتال نیز نقش مهمی در شکل‌گیری مفهوم اصالت در فضای مجازی ایفا می‌کنند. بسیاری از پلتفرم‌های اینترنتی، مانند شبکه‌های اجتماعی یا وبسایت‌های اشتراک محتوا، دارای سیاست‌ها و مقررات خاصی برای مدیریت حقوق مؤلف هستند. این پلتفرم‌ها از طریق ابزارهای خودکار تشخیص محتوا یا سازوکارهای گزارش تخلف تلاش می‌کنند از انتشار غیرمجاز آثار جلوگیری کنند. با این حال، این سازوکارها گاه با مشکلاتی همراه است؛ زیرا الگوریتم‌های تشخیص محتوا ممکن است نتوانند به درستی میان استفاده مجاز از اثر، مانند نقل قول یا نقد، و نقض واقعی حق مؤلف تمایز قائل شوند. برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که این وضعیت می‌تواند به ایجاد نوعی «حاکمیت خصوصی» در حوزه حق مؤلف منجر شود، زیرا پلتفرم‌ها در عمل نقش مهمی در تعیین حدود استفاده از آثار ایفا می‌کنند (Quintais et al., ۲۰۲۳).

چالش دیگر در زمینه اصالت آثار دیجیتال به مسئله تولید محتوا توسط فناوری‌های نوین، به‌ویژه هوش مصنوعی، مربوط می‌شود. امروزه الگوریتم‌های پیشرفته قادرند تصاویر، متون، موسیقی و حتی آثار هنری تولید کنند که گاه از نظر ظاهری تفاوت چندانی با آثار تولیدشده توسط انسان ندارند. این وضعیت پرسش‌های مهمی را در حوزه حقوق مالکیت فکری مطرح کرده است؛ از جمله اینکه آیا آثار تولیدشده

توسط هوش مصنوعی می‌توانند واجد اصالت تلقی شوند و در صورت مثبت بودن پاسخ، مالک چنین آثاری چه کسی خواهد بود. برخی نظام‌های حقوقی بر این باورند که اصالت اثر مستلزم وجود خلاقیت انسانی است و بنابراین آثار تولیدشده صرفاً توسط ماشین نمی‌توانند از حمایت حق مؤلف برخوردار شوند. در مقابل، برخی پژوهشگران پیشنهاد کرده‌اند که در چنین مواردی باید نقش انسان در طراحی یا هدایت سیستم هوش مصنوعی مورد توجه قرار گیرد (Aina-Pelemo et al., ۲۰۲۴). این مباحث نشان می‌دهد که مفهوم سنتی اصالت در حال مواجهه با چالش‌های تازه‌ای است که نیازمند تحلیل‌های نظری و حقوقی جدید است.

از منظر فقه اسلامی نیز مسئله اصالت آثار فکری می‌تواند در چارچوب مباحث مربوط به مالکیت و حق انتفاع مورد بررسی قرار گیرد. اگر اثری حاصل ابتکار و تلاش فکری شخصی باشد، می‌توان آن را نوعی دستاورد فکری دانست که دارای ارزش اقتصادی یا معنوی است. در چنین حالتی، بهره‌برداری از آن بدون اجازه پدیدآورنده ممکن است مصداق تصرف غیرمجاز در حق دیگری تلقی شود. برخی پژوهشگران فقهی بر این باورند که حتی در منابع سنتی نیز می‌توان نمونه‌هایی از احترام به حقوق علمی و فکری افراد یافت؛ برای مثال در سنت علمی اسلامی نقل آثار دیگران معمولاً با ذکر نام صاحب اثر همراه بوده است و این امر نشان‌دهنده نوعی احترام به مالکیت معنوی است (قربانی و پورمحمد، ۱۳۹۷). این دیدگاه می‌تواند مبنایی برای پذیرش مفهوم اصالت در چارچوب فقه اسلامی فراهم کند. با این حال، در محیط دیجیتال تشخیص حدود اصالت از منظر فقهی نیز با مسائل جدیدی روبه‌رو می‌شود. برای مثال، در مواردی که یک اثر نتیجه همکاری یا مشارکت کاربران متعدد در فضای آنلاین است، تعیین سهم هر یک از افراد در ایجاد اثر ممکن است دشوار باشد. همچنین در برخی موارد آثار دیجیتال به صورت مستمر تغییر می‌کنند و نسخه‌های مختلفی از آن‌ها در طول زمان ایجاد می‌شود. چنین ویژگی‌هایی باعث می‌شود که مفهوم سنتی «اثر ثابت و مشخص» تا حدی دچار تحول شود. در نتیجه، برخی پژوهشگران معتقدند که برای تحلیل این مسائل باید از رویکردهای نوین فقهی و حقوقی استفاده کرد و مفاهیم سنتی را با توجه به شرایط جدید بازتفسیر نمود (Rahman, ۲۰۲۳).

در مجموع، می‌توان گفت که مفهوم اصالت و خلاقیت نقش محوری در نظام حقوق مالکیت فکری دارد و تعیین‌کننده حدود حمایت از آثار فکری است. با این حال، تحولات فناوری و گسترش فضای مجازی باعث شده است که این مفاهیم با چالش‌های جدیدی روبه‌رو شوند. تولید گسترده محتوا، امکان بازترکیب آثار، نقش پلتفرم‌های دیجیتال در تنظیم روابط کاربران و ظهور فناوری‌هایی مانند هوش مصنوعی همگی عواملی هستند که درک سنتی از اصالت را تحت تأثیر قرار داده‌اند. از این رو، بازاندیشی در مفهوم اصالت و تطبیق آن با ویژگی‌های محیط دیجیتال یکی از مسائل اساسی در پژوهش‌های معاصر حقوق مالکیت فکری به شمار می‌رود. این بازاندیشی نه تنها از منظر حقوقی، بلکه از دیدگاه فقهی نیز اهمیت دارد، زیرا باید روشن شود که چگونه می‌توان اصول سنتی حمایت از حقوق افراد را با واقعیت‌های جدید فضای مجازی هماهنگ کرد.

#### ۴. تحول مفهوم مالکیت در عصر دیجیتال و تأثیر آن بر حق مؤلف

مفهوم مالکیت در طول تاریخ همواره یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم حقوقی بوده است و بسیاری از نهادهای حقوقی بر اساس آن شکل گرفته‌اند. در نظام‌های حقوقی سنتی، مالکیت غالباً به معنای سلطه و اختیار فرد بر یک شیء مادی تلقی می‌شد؛ به گونه‌ای که مالک می‌توانست از مال خود استفاده کند، آن را منتقل نماید یا دیگران را از تصرف در آن منع کند. این برداشت کلاسیک از مالکیت که ریشه در حقوق روم و سپس حقوق مدنی کشورهای مختلف دارد، عمدتاً ناظر بر اشیای ملموس و فیزیکی بوده است. با این حال، تحولات علمی و فناوری در قرون اخیر موجب شده است که مفهوم مالکیت از حوزه اشیای مادی فراتر رود و دارای‌های غیرمادی نیز در چارچوب آن مورد توجه قرار گیرند. یکی از مهم‌ترین مصادیق این تحول، شکل‌گیری حقوق مالکیت فکری است که به حمایت از دستاوردهای ذهنی انسان مانند آثار ادبی، هنری و علمی می‌پردازد. در این حوزه، موضوع مالکیت نه یک شیء مادی، بلکه یک اثر فکری یا اطلاعاتی است که ارزش اقتصادی و فرهنگی قابل توجهی دارد (Widjaja, ۲۰۲۵).

در عصر دیجیتال، این تحول با سرعت بیشتری ادامه یافته و مفهوم مالکیت با چالش‌ها و بازتعریف‌های جدیدی مواجه شده است. گسترش اینترنت، فناوری‌های اطلاعاتی و شبکه‌های ارتباطی باعث شده است که بسیاری از دارایی‌های ارزشمند در قالب داده‌ها و اطلاعات دیجیتال وجود داشته باشند. این نوع دارایی‌ها برخلاف اموال مادی، به راحتی قابل تکثیر و انتقال هستند و استفاده از آن‌ها توسط یک فرد مانع استفاده همزمان دیگران نمی‌شود. چنین ویژگی‌هایی سبب شده است که برخی از ویژگی‌های سنتی مالکیت، مانند انحصار کامل مالک بر مال، در محیط دیجیتال با محدودیت‌هایی مواجه شود. به همین دلیل، برخی پژوهشگران معتقدند که در اقتصاد دیجیتال باید از مفهوم «کنترل بر دسترسی» به جای مالکیت به معنای سنتی آن سخن گفت، زیرا در بسیاری از موارد آنچه اهمیت دارد توانایی کنترل نحوه استفاده از داده‌ها یا آثار دیجیتال است، نه صرف تملک آن‌ها (Frosio & Geiger, ۲۰۲۳).

این تغییرات به‌طور مستقیم بر نظام حقوق مؤلف نیز تأثیر گذاشته است. در گذشته، بهره‌برداری از آثار ادبی و هنری غالباً از طریق نسخه‌های فیزیکی مانند کتاب، نوار موسیقی یا فیلم انجام می‌شد و کنترل توزیع این نسخه‌ها نسبتاً آسان‌تر بود. اما در فضای مجازی، آثار فکری غالباً به صورت فایل‌های دیجیتال منتشر می‌شوند که می‌توان آن‌ها را با هزینه‌ای بسیار اندک و در زمانی کوتاه تکثیر و توزیع کرد. این وضعیت باعث شده است که نظام سنتی حمایت از حق مؤلف با چالش‌های جدی روبرو شود، زیرا بسیاری از قواعد حقوقی موجود بر اساس شرایطی شکل گرفته‌اند که در آن تکثیر آثار دشوارتر و قابل کنترل‌تر بود. در نتیجه، گسترش فناوری‌های دیجیتال موجب افزایش موارد نقض حقوق مؤلف شده و ضرورت بازنگری در سازوکارهای حقوقی حمایت از این حقوق را مطرح کرده است (Rahman, ۲۰۲۳).

یکی از پیامدهای مهم این تحول، تغییر در الگوهای بهره‌برداری اقتصادی از آثار فکری است. در اقتصاد سنتی، فروش نسخه‌های فیزیکی آثار یکی از اصلی‌ترین منابع درآمد برای پدیدآورندگان و ناشران محسوب می‌شد. اما در اقتصاد دیجیتال، مدل‌های جدیدی مانند اشتراک‌های آنلاین، پلتفرم‌های پخش محتوا و اقتصاد مبتنی بر تبلیغات جایگزین بسیاری از روش‌های سنتی شده‌اند. برای مثال، خدمات پخش موسیقی و فیلم در بستر اینترنت به کاربران امکان می‌دهند که بدون خرید نسخه فیزیکی، به آثار مختلف دسترسی داشته باشند. این تغییرات باعث شده است که مفهوم مالکیت بر نسخه اثر تا حدی جای خود را به مفهوم «دسترسی به محتوا» بدهد. در چنین شرایطی، حقوق مؤلف بیش از آنکه به کنترل نسخه‌های فیزیکی مربوط باشد، به تنظیم دسترسی و استفاده از آثار در محیط‌های دیجیتال مرتبط می‌شود (Tafesse & Dayan, ۲۰۲۳). تحول مفهوم مالکیت در عصر دیجیتال همچنین با ظهور انواع جدیدی از دارایی‌های غیرمادی همراه بوده است. داده‌ها، نرم‌افزارها، الگوریتم‌ها و پایگاه‌های اطلاعاتی امروزه از مهم‌ترین منابع اقتصادی در بسیاری از صنایع به شمار می‌روند. شرکت‌های فناوری بخش قابل توجهی از ارزش اقتصادی خود را از طریق جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها به دست می‌آورند. با این حال، تعیین مالکیت این داده‌ها همواره آسان نیست، زیرا داده‌ها ممکن است توسط کاربران، شرکت‌ها یا دستگاه‌های مختلف تولید شوند و مرزهای مالکیت آن‌ها به‌طور دقیق مشخص نباشد. برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که نظام‌های حقوقی در تلاش هستند تا چارچوب‌های جدیدی برای تنظیم مالکیت داده‌ها و اطلاعات ایجاد کنند، اما این حوزه همچنان با ابهام‌های حقوقی متعددی مواجه است (پروین و عطار، ۱۴۰۰).

در چنین شرایطی، برخی نظریه‌پردازان حقوقی پیشنهاد کرده‌اند که باید مفهوم مالکیت فکری به گونه‌ای بازتعریف شود که با ویژگی‌های اقتصاد دیجیتال سازگار باشد. برای مثال، برخی معتقدند که در محیط دیجیتال تأکید بیش از حد بر انحصار مالکانه ممکن است مانع گردش آزاد اطلاعات و توسعه دانش شود. در مقابل، رویکردهایی مانند «دسترسی باز» یا «مجوزهای آزاد» تلاش می‌کنند میان حمایت از حقوق پدیدآورندگان و دسترسی عمومی به دانش تعادل ایجاد کنند. این رویکردها به‌ویژه در حوزه‌های علمی و آموزشی اهمیت زیادی یافته‌اند، زیرا انتشار آزادانه دانش می‌تواند به پیشرفت علمی و نوآوری کمک کند (Frosio & Geiger, ۲۰۲۳). از منظر فقه اسلامی نیز تحول مفهوم مالکیت در عصر دیجیتال پرسش‌های جدیدی را مطرح کرده است. در فقه سنتی، مالکیت عمدتاً بر اشیای عینی و قابل لمس متمرکز بوده است، هرچند برخی حقوق غیرمادی نیز در قالب‌هایی مانند حق انتفاع یا حق اختصاص مورد توجه قرار گرفته‌اند. با این حال، گسترش دارایی‌های دیجیتال موجب شده است که فقها و پژوهشگران فقهی به بررسی امکان شناسایی مالکیت بر داده‌ها و آثار دیجیتال بپردازند. برخی از این پژوهش‌ها نشان می‌دهد که می‌توان با استفاده از قواعد کلی فقهی مانند قاعده سلطنت و قاعده احترام

مال، نوعی حمایت از دارایی‌های فکری و دیجیتال را توجیه کرد، زیرا این دارایی‌ها نیز حاصل تلاش و فعالیت انسان هستند و می‌توانند دارای ارزش اقتصادی باشند (قربانی و پورمحمد، ۱۳۹۷).

با وجود این، یکی از چالش‌های مهم در این زمینه آن است که آثار دیجیتال ماهیتی غیرانحصاری دارند و می‌توانند به‌طور همزمان توسط افراد متعدد مورد استفاده قرار گیرند. این ویژگی با برخی ویژگی‌های سنتی مالکیت در فقه و حقوق که مبتنی بر انحصار مالک بر مال است، تفاوت دارد. از این رو، برخی پژوهشگران پیشنهاد کرده‌اند که به‌جای تفسیر مالکیت فکری به‌عنوان مالکیت کامل، باید آن را نوعی «حق اختصاص محدود» دانست که به پدیدآورنده اجازه می‌دهد برای مدت معینی از بهره‌برداری دیگران از اثر جلوگیری کند. چنین تفسیری می‌تواند تا حدی با اصول فقهی نیز سازگار باشد، زیرا در فقه اسلامی نیز انواع مختلفی از حقوق اختصاصی وجود دارد که لزوماً به معنای مالکیت مطلق نیستند (تقی‌زاده چاری و پیردهی حاجیکلا، ۱۳۹۵). افزون بر این، در فضای مجازی مسئله قلمرو جغرافیایی مالکیت نیز اهمیت پیدا کرده است. در نظام‌های حقوقی سنتی، قوانین مالکیت فکری معمولاً در محدوده سرزمینی یک کشور اجرا می‌شوند، اما اینترنت ماهیتی فراملی دارد و آثار منتشرشده در آن می‌توانند در سراسر جهان در دسترس قرار گیرند. این وضعیت باعث شده است که اجرای قوانین ملی در حوزه حق مؤلف با دشواری‌هایی مواجه شود و همکاری‌های بین‌المللی برای مقابله با نقض حقوق مالکیت فکری اهمیت بیشتری پیدا کند. به همین دلیل، بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای حقوقی در تلاش هستند تا چارچوب‌های مشترکی برای حمایت از حقوق مؤلف در فضای مجازی ایجاد کنند (Quintais et al., ۲۰۲۳).

در مجموع، می‌توان گفت که عصر دیجیتال باعث تحول عمیقی در مفهوم مالکیت شده است و این تحول تأثیر مستقیمی بر نظام حقوق مؤلف داشته است. در این شرایط، بسیاری از مفاهیم سنتی مالکیت و کنترل بر آثار فکری نیازمند بازنگری و تفسیر جدید هستند. ویژگی‌هایی مانند قابلیت تکثیر نامحدود آثار دیجیتال، نقش پلتفرم‌های اینترنتی در توزیع محتوا و ظهور دارایی‌های اطلاعاتی جدید همگی نشان می‌دهد که نظام‌های حقوقی باید خود را با واقعیت‌های جدید اقتصاد دیجیتال تطبیق دهند. از سوی دیگر، تحلیل این تحولات از منظر فقه اسلامی نیز اهمیت دارد، زیرا باید مشخص شود که چگونه می‌توان اصول سنتی فقهی را با شرایط جدید فضای مجازی هماهنگ کرد. در نتیجه، بازاندیشی در مبانی فقهی و حقوقی حق مؤلف در بستر فضای مجازی یکی از موضوعات اساسی پژوهش‌های معاصر در حوزه مالکیت فکری به‌شمار می‌رود؛ موضوعی که در بخش بعدی این پژوهش با تمرکز بر بازخوانی فقهی - حقوقی مفاهیم مالکیت و حق مؤلف مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

## ۵. بازاندیشی فقهی - حقوقی حق مؤلف در بستر فضای مجازی

تحولات گسترده فناوری‌های اطلاعاتی و گسترش فضای مجازی موجب شده است که بسیاری از مفاهیم بنیادین حقوق مالکیت فکری، از جمله حق مؤلف، نیازمند بازنگری و تفسیر مجدد باشند. نظام‌های حقوقی سنتی در زمانی شکل گرفته‌اند که تولید، تکثیر و توزیع آثار فکری عمدتاً در قالب‌های فیزیکی انجام می‌شد و امکان کنترل بهره‌برداری از آثار نسبتاً بیشتر بود. اما در محیط دیجیتال، مرزهای جغرافیایی کمرنگ شده، تکثیر آثار با هزینه‌ای بسیار اندک امکان‌پذیر شده و کاربران در مقیاسی گسترده در فرآیند تولید و انتشار محتوا مشارکت دارند. این شرایط سبب شده است که برخی از مفروضات سنتی حقوق مؤلف، از جمله نحوه اعمال حقوق انحصاری پدیدآورنده و شیوه‌های حمایت از آن، با چالش‌های جدی مواجه شود. از این رو، بسیاری از پژوهشگران معتقدند که برای حفظ کارآمدی نظام حقوق مالکیت فکری، لازم است مفاهیم و قواعد آن در پرتو واقعیت‌های جدید فضای مجازی مورد بازاندیشی قرار گیرد (Frosio & Geiger, ۲۰۲۳).

یکی از مهم‌ترین محورهای این بازاندیشی به تبیین مجدد رابطه میان حقوق پدیدآورندگان و منافع عمومی مربوط می‌شود. هدف اصلی نظام حقوق مؤلف ایجاد تعادل میان حمایت از خالقان آثار و تضمین دسترسی جامعه به دانش و فرهنگ است. اگر حمایت از حقوق مؤلف بیش از حد گسترده و سخت‌گیرانه باشد، ممکن است دسترسی عمومی به اطلاعات محدود شود و جریان آزاد دانش با موانع جدی روبه‌رو گردد. در مقابل، اگر حمایت از حقوق مؤلف بسیار ضعیف باشد، انگیزه‌های اقتصادی و خلاقانه پدیدآورندگان برای تولید آثار جدید کاهش می‌یابد. در فضای مجازی این تعادل بیش از پیش اهمیت پیدا کرده است، زیرا اینترنت امکان دسترسی گسترده به اطلاعات را فراهم کرده و بسیاری از کاربران انتظار دارند که محتوای دیجیتال به‌صورت آزادانه در دسترس باشد. به همین دلیل، برخی نظریه‌پردازان پیشنهاد می‌کنند که باید میان حمایت از حقوق مؤلف و تضمین دسترسی آزاد به دانش نوعی توازن پویا برقرار شود (Rahman, ۲۰۲۳).

در این میان، نقش پلتفرم‌های دیجیتال در تنظیم روابط میان پدیدآورندگان، کاربران و صاحبان حقوق نیز اهمیت قابل توجهی یافته است. بسیاری از آثار فکری امروزه از طریق پلتفرم‌هایی مانند شبکه‌های اجتماعی، وبسایت‌های اشتراک ویدئو یا خدمات پخش موسیقی منتشر می‌شوند. این پلتفرم‌ها اغلب دارای مقررات و سازوکارهای خاصی برای مدیریت حقوق مؤلف هستند، از جمله سامانه‌های شناسایی خودکار محتوا و فرآیندهای گزارش نقض حقوق. با این حال، تمرکز قدرت تنظیم‌گری در دست پلتفرم‌ها می‌تواند پیامدهای حقوقی و اجتماعی مهمی داشته باشد؛ زیرا تصمیمات این شرکت‌ها گاه تأثیر مستقیمی بر آزادی بیان و دسترسی کاربران به اطلاعات دارد. برخی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر پلتفرم‌های دیجیتال عملاً به بازیگران اصلی در اجرای قواعد حق مؤلف تبدیل شده‌اند و این امر ضرورت نظارت حقوقی و تنظیم مقررات شفاف در این حوزه را افزایش داده است (Quintais et al., ۲۰۲۳). از منظر فقه اسلامی نیز بازاندیشی در مفهوم حق مؤلف در فضای مجازی اهمیت ویژه‌ای دارد. همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، بسیاری از فقها بر اساس قواعدی مانند قاعده سلطنت، قاعده احترام مال و قاعده لاضرر، امکان شناسایی نوعی حق اختصاص برای پدیدآورندگان آثار فکری را پذیرفته‌اند. بر اساس قاعده سلطنت، هر فرد نسبت به اموال و دارایی‌های خود حق تصرف و بهره‌برداری دارد و دیگران بدون اجازه او نمی‌توانند در آن تصرف کنند. اگر آثار فکری نیز به‌عنوان نوعی دارایی غیرمادی تلقی شوند، می‌توان گفت که پدیدآورنده نسبت به آن‌ها دارای نوعی حق اختصاص است و دیگران نمی‌توانند بدون رضایت او از آن‌ها بهره‌برداری کنند. همچنین بر اساس قاعده لاضرر، هرگونه اقدامی که موجب زیان غیرموجه به دیگران شود، از نظر شرعی قابل پذیرش نیست؛ بنابراین تکثیر یا انتشار غیرمجاز آثار فکری که موجب زیان اقتصادی یا معنوی پدیدآورنده می‌شود، می‌تواند مصداقی از ضرر تلقی شود (قربانی و پورمحمد، ۱۳۹۷).

با این حال، در فضای مجازی برخی از ویژگی‌های آثار دیجیتال ممکن است موجب طرح پرسش‌های جدیدی در چارچوب فقهی شود. برای مثال، آثار دیجیتال به‌گونه‌ای هستند که استفاده از آن‌ها توسط یک فرد مانع استفاده دیگران نمی‌شود و تکثیر آن‌ها نیز معمولاً باعث از بین رفتن نسخه اصلی نمی‌گردد. این ویژگی‌ها ممکن است این پرسش را مطرح کند که آیا می‌توان همان قواعد مالکیت سنتی را بدون تغییر در مورد این نوع دارایی‌ها اعمال کرد یا باید تفسیری متفاوت از آن‌ها ارائه داد. برخی پژوهشگران فقهی معتقدند که برای پاسخ به این پرسش‌ها باید میان «مالکیت عینی» و «حق اختصاص اعتباری» تمایز قائل شد. در این دیدگاه، حق مؤلف بیشتر به‌عنوان نوعی حق اعتباری و قراردادی در نظر گرفته می‌شود که هدف آن حمایت از منافع مشروع پدیدآورندگان و جلوگیری از سوءاستفاده دیگران از آثار آنان است (تقی‌زاده چاری و پیردهی حاجیکلا، ۱۳۹۵). مسئله دیگری که در بازاندیشی فقهی - حقوقی حق مؤلف در فضای مجازی مطرح می‌شود، موضوع عدالت در دسترسی به دانش و اطلاعات است. در سنت علمی اسلامی، انتشار دانش و آموزش همواره از ارزش‌های مهم فرهنگی و دینی محسوب شده است و بسیاری از عالمان مسلمان آثار خود را با هدف گسترش علم و آگاهی در اختیار دیگران قرار داده‌اند. از این منظر، برخی پژوهشگران معتقدند که در تنظیم قواعد مالکیت فکری باید به این بعد فرهنگی نیز توجه شود و از ایجاد محدودیت‌های بیش از حد در دسترسی به دانش پرهیز گردد. به همین دلیل، برخی رویکردهای جدید مانند انتشار آزاد مقالات علمی یا استفاده از مجوزهای باز می‌تواند با روح این سنت علمی سازگار باشد، زیرا امکان دسترسی گسترده‌تر به دانش را فراهم می‌کند (Hutama et al., ۲۰۲۴).

در کنار این مباحث، مسئله فناوری‌های نوین مانند هوش مصنوعی نیز در بازاندیشی حقوق مؤلف اهمیت فزاینده‌ای یافته است. تولید محتوا توسط سامانه‌های هوش مصنوعی می‌تواند مرز میان خالق انسانی و ابزار فناورانه را تا حدی مبهم کند. در چنین شرایطی این پرسش مطرح می‌شود که آیا می‌توان آثار تولیدشده با استفاده از این فناوری‌ها را مشمول حمایت حق مؤلف دانست و در صورت مثبت بودن پاسخ، مالک آن چه کسی خواهد بود. برخی پژوهشگران پیشنهاد کرده‌اند که در این موارد باید نقش انسان در هدایت یا طراحی سامانه هوش مصنوعی مورد توجه قرار گیرد و حمایت حقوقی بر اساس میزان دخالت خلاقانه انسان تعیین شود (Aina-Pelemo et al., ۲۰۲۴). این موضوع نشان می‌دهد که نظام حقوق مالکیت فکری در آینده با مسائل پیچیده‌تری مواجه خواهد شد و نیازمند چارچوب‌های نظری انعطاف‌پذیرتری خواهد بود. در مجموع، بازاندیشی فقهی - حقوقی حق مؤلف در فضای مجازی مستلزم توجه همزمان به چند عامل اساسی است: نخست، ویژگی‌های خاص محیط دیجیتال که موجب تغییر در شیوه تولید و توزیع آثار فکری شده است؛ دوم، ضرورت حفظ تعادل میان حمایت از حقوق پدیدآورندگان و تضمین دسترسی عمومی به دانش؛ و سوم، امکان استفاده از ظرفیت‌های موجود در فقه اسلامی برای تبیین مبانی مشروعیت حقوق مالکیت فکری. چنین رویکردی می‌تواند به شکل‌گیری چارچوبی نظری کمک کند که هم با اصول حقوقی معاصر سازگار باشد و هم با مبانی فقهی قابل توجیه باشد. در نتیجه، توسعه پژوهش‌های میان‌رشته‌ای در حوزه فقه، حقوق و فناوری اطلاعات می‌تواند نقش مهمی در تبیین ابعاد مختلف حق مؤلف در عصر دیجیتال ایفا کند.

## ۶. نتیجه‌گیری

تحولات فناوری‌های دیجیتال در دهه‌های اخیر موجب شده است که بسیاری از مفاهیم بنیادین حقوقی، به‌ویژه در حوزه مالکیت فکری، با چالش‌ها و پرسش‌های تازه‌ای مواجه شوند. حق مؤلف به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شاخه‌های مالکیت فکری، در گذشته عمدتاً در بستری شکل گرفته بود که تولید و توزیع آثار فکری در قالب‌های فیزیکی و قابل کنترل انجام می‌شد. اما گسترش اینترنت، شبکه‌های اجتماعی، پلتفرم‌های اشتراک محتوا و ابزارهای نوین تولید دیجیتال، شرایطی را پدید آورده است که در آن آثار فکری به‌سرعت و با هزینه‌ای بسیار اندک قابل تکثیر و انتشار هستند. این وضعیت نه تنها شیوه‌های بهره‌برداری از آثار فکری را تغییر داده، بلکه بسیاری از مفاهیم سنتی مرتبط با اصالت، خلاقیت و مالکیت را نیز با ابهام‌ها و چالش‌های جدیدی روبه‌رو کرده است. از این رو، بررسی فقهی و حقوقی حق مؤلف در بستر فضای مجازی اهمیت ویژه‌ای یافته و نیازمند رویکردی تحلیلی و میان‌رشته‌ای است.

بررسی مبانی نظری حق مؤلف نشان می‌دهد که این نهاد حقوقی با هدف ایجاد تعادل میان دو مصلحت اساسی شکل گرفته است: از یک سو حمایت از حقوق مادی و معنوی پدیدآورندگان آثار فکری و از سوی دیگر تضمین دسترسی جامعه به دانش و فرهنگ. این تعادل در نظام‌های حقوقی مختلف از طریق اعطای حقوق انحصاری محدود به پدیدآورندگان و در عین حال پیش‌بینی استثناها و محدودیت‌هایی برای استفاده عمومی از آثار برقرار شده است. با این حال، در فضای مجازی تحقق این تعادل با دشواری‌های بیشتری همراه است، زیرا ویژگی‌هایی مانند قابلیت تکثیر نامحدود آثار دیجیتال، سرعت بالای انتشار اطلاعات و مشارکت گسترده کاربران در تولید محتوا، اجرای قواعد سنتی حق مؤلف را پیچیده‌تر کرده است. در چنین شرایطی، نظام‌های حقوقی ناگزیرند راهکارهای جدیدی برای حمایت مؤثر از حقوق پدیدآورندگان و در عین حال حفظ جریان آزاد اطلاعات و دانش ارائه دهند (Rahman, ۲۰۲۳). یکی از مهم‌ترین محورهای این پژوهش بررسی مفهوم اصالت و خلاقیت در آثار فکری و چالش‌های آن در محیط دیجیتال بود. در نظام‌های حقوقی، اصالت و خلاقیت از مهم‌ترین شروط حمایت از آثار فکری محسوب می‌شوند و هدف آن‌ها تمایز میان آثار اصیل و تولیدات صرفاً تقلیدی است. با این حال، در فضای مجازی مرز میان این دو گاه دشوارتر از گذشته قابل تشخیص است. تولید محتوای ترکیبی، استفاده گسترده از منابع موجود در اینترنت و بهره‌گیری از فناوری‌هایی مانند هوش مصنوعی باعث شده است که فرآیند خلق آثار فکری پیچیده‌تر شود. در چنین شرایطی،

ارزیابی میزان خلاقیت و نقش واقعی پدیدآورنده انسانی در تولید اثر اهمیت بیشتری پیدا می‌کند و نظام‌های حقوقی باید معیارهای روشن‌تری برای تشخیص اصالت آثار ارائه دهند (Widjaja, ۲۰۲۵).

تحلیل تحول مفهوم مالکیت در عصر دیجیتال نیز نشان داد که بسیاری از ویژگی‌های سنتی مالکیت در محیط دیجیتال دچار تغییر شده‌اند. در اقتصاد دیجیتال، دارایی‌های غیرمادی مانند داده‌ها، نرم‌افزارها و آثار دیجیتال اهمیت فزاینده‌ای یافته‌اند و ارزش اقتصادی بسیاری از شرکت‌ها و فعالیت‌های اقتصادی به این نوع دارایی‌ها وابسته است. با این حال، این دارایی‌ها برخلاف اموال مادی دارای ویژگی‌هایی مانند قابلیت تکثیر نامحدود و استفاده همزمان توسط افراد متعدد هستند. این ویژگی‌ها موجب شده است که برخی از پژوهشگران از تغییر در مفهوم سنتی مالکیت سخن بگویند و بر نقش «کنترل دسترسی» به جای مالکیت مطلق تأکید کنند. چنین تحولاتی تأثیر مستقیمی بر نظام حقوق مؤلف داشته و ضرورت بازنگری در برخی قواعد سنتی آن را مطرح کرده است (Frosio & Geiger, ۲۰۲۳). از منظر فقه اسلامی نیز بررسی این موضوع نشان داد که هرچند مفهوم مالکیت فکری به شکل امروزی در منابع کلاسیک فقهی مطرح نشده است، اما می‌توان با استفاده از قواعد کلی فقهی مبانی مشروعیت آن را تبیین کرد. قواعدی مانند قاعده سلطنت، قاعده احترام مال و قاعده لاضرر می‌توانند مبنایی برای شناسایی نوعی حق اختصاص برای پدیدآورندگان آثار فکری فراهم کنند. بر اساس این قواعد، حاصل تلاش فکری انسان می‌تواند دارای ارزش اقتصادی و اعتباری باشد و دیگران بدون اجازه صاحب اثر نمی‌توانند از آن بهره‌برداری کنند. با این حال، ویژگی‌های خاص آثار دیجیتال ایجاب می‌کند که این قواعد با رویکردی اجتهادی و متناسب با شرایط جدید تفسیر شوند تا بتوانند پاسخگوی مسائل نوظهور در فضای مجازی باشند (قربانی و پورمحمد، ۱۳۹۷).

یافته‌های این پژوهش همچنین نشان می‌دهد که در عصر دیجیتال، نقش بازیگران جدیدی مانند پلتفرم‌های اینترنتی در نظام حقوق مؤلف بسیار پررنگ شده است. این پلتفرم‌ها در بسیاری از موارد به واسطه اصلی انتشار و توزیع آثار تبدیل شده‌اند و سیاست‌ها و سازوکارهای آن‌ها تأثیر قابل توجهی بر نحوه اجرای حقوق مؤلف دارد. از این رو، تنظیم مقررات مناسب برای فعالیت این پلتفرم‌ها و ایجاد سازوکارهای شفاف برای حمایت از حقوق پدیدآورندگان و کاربران از اهمیت زیادی برخوردار است. در عین حال، همکاری‌های بین‌المللی نیز برای مقابله با نقض حقوق مالکیت فکری در فضای مجازی ضروری به نظر می‌رسد، زیرا ماهیت فراملی اینترنت اجرای قوانین ملی را با چالش‌هایی مواجه کرده است (Quintais et al., ۲۰۲۳). در آخر می‌توان گفت که حق مؤلف در عصر دیجیتال در نقطه‌ای قرار گرفته است که نیازمند بازاندیشی نظری و اصلاحات حقوقی است. این بازاندیشی باید به گونه‌ای انجام شود که از یک سو حقوق مشروع پدیدآورندگان آثار فکری حفظ شود و از سوی دیگر دسترسی عمومی به دانش، فرهنگ و اطلاعات محدود نگردد. بهره‌گیری از ظرفیت‌های فقه اسلامی در کنار دستاوردهای حقوق تطبیقی می‌تواند به شکل‌گیری چارچوبی متوازن و کارآمد برای تنظیم حقوق مؤلف در فضای مجازی کمک کند. در این چارچوب، توجه به تحولات فناوری، توسعه رویکردهای میان‌رشته‌ای و بازنگری در برخی مفاهیم سنتی حقوق مالکیت فکری می‌تواند زمینه‌ساز تدوین قواعدی باشد که با واقعیت‌های عصر دیجیتال سازگارتر باشند. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های آینده با تمرکز بیشتر بر موضوعاتی مانند تأثیر هوش مصنوعی بر مفهوم خلاقیت، نحوه تنظیم مسئولیت پلتفرم‌های دیجیتال در قبال نقض حقوق مؤلف و همچنین بررسی تطبیقی رویکردهای مختلف حقوقی در زمینه مالکیت فکری در فضای مجازی ادامه یابد. چنین پژوهش‌هایی می‌تواند به غنای ادبیات علمی در این حوزه کمک کرده و راهکارهایی عملی برای بهبود نظام حمایت از حقوق پدیدآورندگان در عصر دیجیتال ارائه دهد.

منابع

- حسینی، س. (۱۳۹۷). حمایت از مالکیت فکری نرم‌افزار در رایانش ابری. در کنفرانس ملی الگوهای نوین در مدیریت و کسب‌وکار (با رویکرد حمایت از کارآفرینان ملی).
- بزرگ‌مهر، ت. (۱۳۹۷). مالکیت زمانی در حقوق فکری. در کنفرانس ملی دستاوردهای نوین جهان در تعلیم و تربیت، روانشناسی، حقوق و مطالعات فرهنگی اجتماعی.
- قربانی، گ. م.، و پورمحمد، ح. (۱۳۹۷). بررسی حقوق مالکیت فکری در فقه شیعه و حقوق موضوعه. در کنفرانس ملی اندیشه‌های نوین و خلاق در مدیریت، حسابداری، مطالعات حقوقی و اجتماعی.
- احمدی، م.، و کوشا، ا. (۱۳۹۱). ابعاد حقوقی چالش‌های حقوق مالکیت فکری در بیوانفورماتیک. در همایش بیوانفورماتیک ایران.
- رحمانی، ف.، و عزیزی مرادپور، ح. (۱۳۹۶). حمایت از اسرار تجاری رادیواروها در نظام حقوق مالکیت فکری. در کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین ایران و جهان در روانشناسی، علوم تربیتی و مطالعات اجتماعی.
- چلونگر، ا. (۱۳۹۶). بررسی حمایت از حقوق مالکیت فکری ابداعات صنعتی در نظام بین‌المللی حقوق بشر. در کنفرانس ملی تحقیقات علمی جهان در مدیریت، حسابداری، حقوق و علوم اجتماعی.
- صادقی، م. (۱۳۹۴). مطالعه تطبیقی نقش قوانین مالکیت فکری در بهبود محیط کسب‌وکار: با نگاهی نقادانه به حقوق ایران. در همایش ملی بهبود محیط کسب‌وکار.
- حیدری کمرودی، س.، و برومندنیا، ع. (۱۳۹۳). تعیین اصالت تصاویر دیجیتال به کمک نهان‌نگاری و نگاشت آشوب. در کنفرانس ملی سالانه انجمن کامپیوتر ایران.
- تقی‌زاده چاری، ر.، و پیردهی حاجیکلا، ع. (۱۳۹۵). تأملی در مالکیت خمس در عصر غیبت. فقه مقارن، ۴(۸)، ۱۱۷-۱۳۵.
- پورسیستانی، پ.، آصفی، م.، پورسیستانی، پ.، و پناهی، س. (۱۳۹۵). نقش آموزش دیجیتال در خلاقیت دانشجویان معماری. در کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی.
- پروین، ف.، و عطار، ش. (۱۴۰۰). حقوق اتحادیه اروپا و چالش شناسایی حق مالکیت بر داده‌ها در عصر اقتصاد دیجیتال. حقوقی بین‌المللی، ۶۵(۶۵)، ۲۸۱-۳۰۴.
- زرکلام، س. (۱۳۸۶). تبیین مفهوم اصالت در حقوق مالکیت ادبی و هنری. حقوق و سیاست، ۹(۲۲)، ۳۷-۵۲.
- بیگی، م.، قیومی، ع.، علائی، س.، و صلح‌جو، ن. (۱۴۰۰). بازاریابی موسیقی ایرانی در عصر دیجیتال. مدیریت فرهنگی، ۱۴(۵۲)، ۱۰۷-۱۲۳.
- صانع‌پور، م. (۱۳۹۰). هویت در عصر رسانه‌های دیجیتال. مطالعات بین‌رشته‌ای در رسانه و فرهنگ، ۱(۲)، ۱۱۵-۱۳۰.
- Hutama, D. P., Hardiyansah, R., Darmawan, D. (۲۰۲۴). Legal Protection for Digital Content Creators: A Case Study on Social Media Platforms. *International Journal of Service Science, Management, Engineering, and Technology*, ۶(۲), ۱۷-۲۸.
- Rahman, Z. (۲۰۲۳). Enforcing copyright on online streaming platforms: Challenges faced by rights holders in the digital era. *Ijfmr-International Journal For Multidisciplinary Research*, ۰.
- Aina-Pelemo, A. D., Bassey, I., Akpojaro, G. O. (۲۰۲۴). Measures to prevent the violation of the rights of content creators in digital environment: Case study of Nigeria. *Journal of Digital Technologies and Law*, ۲(۲), ۴۰۸-۴۲۹.
- Petročnik, T. (۲۰۲۰). Content creators and digital platforms: The potential of selected EU frameworks to address the issues of digital labour beyond platform work. In *The Hashtag Hustle* (pp. ۱۸۹-۲۰۹). Edward Elgar Publishing.
- Widjaja, G. (۲۰۲۰). Advantages of Copyright Law in the Digital Age: Challenges and Opportunities for Content Creators. *Journal of Intellectual Property Rights (JIPR)*, ۳۰(۰), ۵۷۴-۵۸۲.

- Tafesse, W., Dayan, M. (۲۰۲۳). Content creators' participation in the creator economy: Examining the effect of creators' content sharing frequency on user engagement behavior on digital platforms. *Journal of Retailing and Consumer Services*, ۷۳, ۱۰۳۳-۱۰۳۷.
- Quintais, J. P., De Gregorio, G., Magalhães, J. C. (۲۰۲۳). How platforms govern users' copyright-protected content: Exploring the power of private ordering and its implications. *Computer Law Security Review*, ۴۸, ۱۰۵۷-۱۰۶۲.
- Hoose, F., Rosenbohm, S. (۲۰۲۴). Self-representation as platform work: Stories about working as social media content creators. *Convergence*, ۳۰(۱), ۶۲۵-۶۴۱.
- Frosio, G., Geiger, C. (۲۰۲۳). Taking fundamental rights seriously in the Digital Services Act's platform liability regime. *European Law Journal*, ۲۹(۱-۲), ۳۱-۷۷.